

## عدالت تعاملی در مدرسه، روابط انسانی و اخلاق

علی ذکاوتی قراگوزلو<sup>۱\*</sup>

Received: 05/09/2017  
Accepted: 08/02/2018

صفحات: ۳۳۸-۳۱۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۶/۱۴  
پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۱۹

چکیده: روابط انسانی و اخلاق یکی از نیازهای مشترک جهانی و از لوازم عرضه ارائه اطلاعات و عرصه سیاست‌گذاری است. نبود عدالت تعاملی<sup>۱</sup> در مدرسه به رابطه‌های سلطه‌جویانه به اختلال در سازه‌های برنامه درسی و غفلت از ضرورت‌های اجتماعی هم می‌انجامد. مطالعه تحلیلی توصیفی انتقادی است و در مقام روش ارائه تجویز و راهبرد: ارزشیابی و سنجش راهبرد و کارآمدی عملی متعادل و هم‌افزایی معیار موردنظر این نوشته است. بی‌سوادی، بازماندگی از تحصیل، بی‌رغبتی به مدرسه یا گریز از جمع، مسأله فقر و مسکن و حاشیه‌نشینی‌ها، در جهان که رو به ازدیاد و نیز وخیم‌تر شدن نیز دارد، تا حدی پیامد رفتارهای یکطرفه به‌طور مشخص ضعف عدالت تعاملی در مدرسه هم هست. صورت غالب معض به سبب انسداد ارتباطی ذی‌نفعان و کنشگران است که می‌تواند در مدرسه تمام سطوح مشارکت و کیفیت را متزلزل کند و تعامل بین مثلث دانش، قدرت، اخلاق را به زیان اخلاق ایجاد کند و عارضه‌یابی، ارتباطات نامطلوب، داوری و ارزشیابی را دشوار می‌سازد. این انسداد به تشکیل "هسته سخت" مدیریتی و حتی سرمایه اجتماعی تاریک منجر می‌شود. می‌شود گفت ماهیت آن به مثابه یک هسته سخت "غیرقابل نفوذ و در پستو" است که گاه بوروکراسی - به معنی مثبت آن - را هم به خدمت خود در می‌آورد. مدرسه نیز به مثابه یک سازمان دچار سرمایه اجتماعی تاریک شود و شفافیت ارزشیابی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری آن هم مخدوش شود. عدالت تعاملی یکی از خطوط راهنمای عمل است. عدالت تعاملی هم زمینه و هم انگیزه و هم زهدان توانایی در ایجاد و گسترش وفاق اجتماعی و فرایندهای مرتبط با تفاهم و توافق بر سر عمل تربیتی است.

**کلید واژگان:** تعامل، تصمیم‌گیری، انسداد، روابط انسانی، ارتباط انسانی، عدالت تعاملی در مدرسه.

### Interactive justice in school ,human relationships and morality

Zekavati Gharagozlo, A<sup>1\*</sup>

**Abstract:** The lack of interactive justice in the school leads to extend autocratic and dictatorial relationships and consequentially " curriculum development" to be disrupted and its social necessities to be forgotten. The analytical method is critical for descriptive study. It has been written as a method of prescribing and evaluating: the evaluation and evaluation of the strategy and the practical efficiency of the balance and the development of this criterion. The dominant cause of the dilemma is due to the blockage of communication between stakeholders and actors, which can shake up all levels of participation and quality in the school, evaluating and fault finding of relationships of triangle of knowledge, power, ethics/ morally would be difficult. This blockage /obstruction will lead to the formation of a "hard core" of management and even a dark social capital. It can be said that its nature is a "hard core", closed closet, which sometimes direct bureaucracy-in the positive sense- to their own interests and bring formal law to their service. The school as an organization can also suffer from a dark social capital, and the transparency of the evaluation and the decision-making process is also disrupted. Interactive justice is one of the guides to action. Interactive justice is both an area of motivation and the womb of gestating the ability to create and to deepen social consensus and the processes related to a vast understanding on educational practice

**Keywords:** Interactive justice in school ,Human relationships , Morality, Decision making.

۱. دانشیار دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

\* نویسنده مسئول:

Email : zekavati@chmail.ir

## مقدمه

کارکرد مهم روابط انسانی توأم با عدالت تعاملی تنظیم و پردازش چند و چون اطلاعات مربوط به رابطه ارزش‌ها و نهاد و کنشگران بایکدیگر و فعال‌سازی طرحواره‌های تسهیل تعامل انسانی از منظر تنظیم مطلوب است. جان شرمورن (جامعه‌شناس و مدیر بخش مطالعات آسیای جنوبی شرقی دانشگاه اوهایو می‌نویسد:

عدالت تعاملی<sup>۲</sup> را "شأن و احترامی که نسبت به مردم اعمال می‌شود" تعریف می‌کنند که بخشی از عدالت سازمانی است. این نظریه بر رفتار بین فردی در جریان اجرای امور متمرکز است. به نظر می‌رسد شامل دو نوع خاص از رفتار بین فردی است (گرینبرگ<sup>۳</sup>، 1990a، 1993b). اولین مشخصه عدالت بین فردی نشان‌دهنده میزان رعایت ادب، حرمت، عزت و احترام افراد توسط مقامات یا اشخاص ثالث در فرایند اجرای یا تعیین نتایج و خروجی است. مشخصه دوم عدالت اطلاعاتی است که براساس توضیحات ارائه شده به افراد است. وبر این موضوع که اطلاعات چرا و به چه روش‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرند یا چرا خروجی سازمان به‌طور خاص توزیع شده است، تمرکز دارد. اگر اطلاعات باقوت کفایت کند سطح عدالت اطلاعاتی ادراک شده بیشتر است. (سام<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶).

عسکری عدالت را به سه دسته تقسیم می‌کند عدالت میان خدا و خلق؛<sup>۲</sup> عدالت میان بندگان؛<sup>۳</sup> عدالت میان زندگان و مردگان (وبگاه تبیان).

به نظر نگارنده عدالت برای نسل آینده<sup>۵</sup> را هم می‌توان به این سه فقره افزود و این آخرین تجدیدنظری را که هافستده<sup>۶</sup> و فرزندش در توجه محققانه به فرهنگ‌های شرقی داشتند هم به یاد می‌آورد. روابط انسانی توأم با عدالت تعاملی در مدرسه به مثابه بخشی از سرمایه اجتماعی سازمانی مدرسه می‌تواند سبب شود فضاهای خالی، خودمحوری اخلاقی به حس اجتماعی متعالی ارتقاء یابند. مدرسه نیز به‌مثابه یک سازمان دچار سرمایه اجتماعی تاریک<sup>۷</sup> شود و جریان ارتباطات، شفافیت ارزشیابی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و نشاط و بهجت آن مخدوش شود. انسداد ارتباطی می‌تواند جو سازمانی منفی، تمایلات فردیت خودخواهانه، گروه پرستی و آتش کوره رقابت، سوءرفتار سازمانی، حذف "دیگری" و "غیر" را به طرز خطرناکی شعله‌ور سازد. این فضای کنش

1. Schermerhorn. R

2. Interactional justice

3. Greenberg

4. Sam

5. Intergenerational justice

6. Gerard, Hofstede, Geert

7. Dark social capital

همان نبود سلامت سازمانی، سرمایه اجتماعی تاریک سازمانی و کاربرد خودخواهانه و گاه "مصادره به مطلوب" امتیازات در مدرسه است که "زرنگی" به معنای نامطلوب آن است. عدالت تعاملی در ارتباط کلامی و غیرکلامی میان گروهی دانش‌آموزان با زبان‌ها، لهجه‌ها، جنسیت (در مدارس با دانش‌آموزان یا معلمان از هر دو جنسیت)، سبک لباس و قومیت‌های متفاوت، وضع جسمانی متفاوت، مثلاً با "توان خواهان" یا استثناهایی‌ها، یا با معلمان و سرپرستان مدرسه، لحن و کلمات و تعبیرها، ژست‌های بدن، چیدمان مدرسه و کلاس و دوری و نزدیکی به معلم و ناظم و مدیر و غیره نیز قابل لمس و پراهمیت و یکی از حیاتی‌ترین موضوعات مهارت‌های زندگی است. رین<sup>۱</sup> می‌نویسد: انگیزه‌های درونی و بیرونی در موضوعاتی چون خود-راهبری، شایستگی و ارتباط که نیاز اساسی بشوند، مشترک‌اند. توجه به تفاوت‌های فرهنگی همزمان با شباهت در نیازهای اساسی روانشناختی- اجتماعی - آن‌گونه که هافستده پی گرفته است- می‌تواند مفید باشد.

بین هستی‌های اجتماعی، بین گروه‌بندی‌های منزلتی، شغلی، زبانی، جغرافیایی، تمدنی، طبقاتی، قومیتی و سلسله مراتبی فضاهای خالی<sup>۲</sup> وجود دارد که احکام و داوری‌ها در مورد جوسازمانی آن را پر می‌کند. مفروض است که اخلاق و ارزش‌ها رویکردی متوازن سرمایه اجتماعی، عدالت تعاملی موزون و منصفانه<sup>۳</sup>، نگاه عادلانه<sup>۴</sup> و توانمندسازانه به رابطه کنشگر- ساختار است. کلمن می‌نویسد: منظور از سرمایه اجتماعی "جنبه‌ای از سرمایه انسانی است که گروهی از وابستگی‌های متقابل میان افراد را توصیف می‌کند که از ساختار اجتماع ناشی می‌شوند" (کلمن، ۱۳۷۷). در جو سازمانی مناسب شیوه‌های متداول، باورهای معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی مشترک حتی کنش خودخواهانه هر فرد با کنش‌های خودخواهانه دیگران فضای سومی ایجاد می‌کند که به سود هر دو طرف می‌تواند باشد. بدون گشایش انسداد ارتباطی این فضای سوم پدید نمی‌آید. ارتباط گر سکوت را به نفع آزادشدن "صدای سازمانی" و گفتگو و مشارکت تغییر می‌دهد. سکوت سازمانی ممکن است سبب نگرش نامشارکت‌مند و کناره‌گیری، کنش خود حفاظتی (بر اساس ترس) یا همرنگی و از گونه "نوع‌دوستانه" و "سکوت تدافعی" و "سکوت مطیعانه" باشد: کمبود برابری فرصت‌ها فرصت، تصمیم‌گیری غیر مشارکتی، نبود سیستم پاداش و قدردانی و ... منجر به جو سکوت و بی‌تفاوتی است.

چگونه می‌توان معضلات درهم‌تنیده و فرافردی و فراسازمانی را با حق و منافع کنش‌گری مؤثر و پر شور کنش‌گران پیوند داد تا از فقر الگو، روزمرگی و انجماد ساختارها بتوان رها شد؟

1. Ryan, Richard M

2. White space

3. Fair. minded

4. Fair. sighted

عدالت تعاملی را از دید تکوینی می‌توان نگریدست. نظریه ساختارگرایی اجتماعی یا ساختار اجتماعی واقعیت (همچنین مفهوم اجتماعی)، نظریه‌ای در جامعه‌شناسی و نظریه ارتباطات است که به بررسی تشکیل درک مفاهیم مشترک از جهان - که مبنای مفروضات مشترک را درباره واقعیت تشکیل می‌دهد می‌پردازد. یعنی کنشگر درک خود از و عرصه‌های چهارگانه ادراک محیطی و معرفت خود را "بر می‌سازد" مطابق رویکرد تکوینی معرفت ما جهان را هم می‌سازد. مطابق این نظریه ساختارگرایی اجتماعی یا ساختار اجتماعی واقعیت (همچنین مفهوم اجتماعی)، نظریه‌ای در جامعه‌شناسی و نظریه ارتباطات است که به بررسی تشکیل درک مفاهیم مشترک از جهان - که مبنای مفروضات مشترک را درباره واقعیت تشکیل می‌دهد می‌پردازد. رهیافت برساختی و نیز تکوینی سهل و ممتنع است. پروژه تفکیک ساختاری و تقسیم کار مدرن و تسط انحصاری ساختارهای وظیفه‌گرا (همراه بل غفلت از ساختار فرایندگرا خود از مسایل مهم عصر است.

در حالت خوشبینانه انتظار این است که با شرایط مناسبی از جمله عدالت تعاملی "سرمایه روانشناختی" هر عضو به "سرمایه فرهنگی نمادین" سطح بالاتر ارتقا پیدا کند و کنش‌ها از صورت انفعالی به صورت، مسؤولانه‌تر و آگاه و فعال مبدل گردد و افراد با افزایش "خود اثربخشی" و هم‌افزایی عزت‌نفس رضامندی و لذت احساس کنند. قدرت اساسی روابط انسانی، و بارورسازی احساسات و ذوق و وجدان است که به افق میانجیگری اجتماعی، رویکرد چندگانه‌گرا و کثرت‌گرا و درک مشتاقانه و همدلانه خاموشان، گناهکاران، رانده‌شدگان، منفعلان و زیردستان چشم دوخته است که پس از فراز و نشیب‌هایی به نمادسازی هم‌افزایی و انضباط خود انگیزته می‌انجامد. انسداد به تشکیل "هسته سخت" مدیریتی و حتی سرمایه اجتماعی تاریک منجر می‌شود. می‌شود گفت ماهیت آن به مثابه یک هسته ی سخت "غیرقابل نفوذ و در پستو" است که گاه بوروکراسی - به معنی مثبت آن - را هم به خدمت خود در می‌آورد: مدرسه نیز به مثابه یک سازمان دچار سرمایه اجتماعی تاریک شود و شفافیت ارزشیابی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری آن هم مخدوش شود. برای همراهی با عدل و عقل به عدالت تعاملی و درک دیگران که مقدمه خوانش انتقادی است نیاز داریم. در مقام جستجوی راه حل آموزه‌های سنت تفهیمی (درکی) و نیز مابعد ساخت‌گرا همراه با خوانش انتقادی روابط، رویکرد ایجابی و توسعه و توصیه‌های کاربردی، میانجیگری توانمندسازانه، می‌تواند مورد نظر قرار گیرد. مدرسه به‌ویژه در "گسست"ها و چرخش‌های فرهنگی از کلاسیک تا مدرن با این پرسش شریف رو به رو است که عقل، انسان بودن، معنوی بودن و به تعبیر فرهنگ اصیل ما "مرام و معرفت"

چگونه خلاقانه باز تولید شود؟ به عبارتی تناقض نما دانشگاه چگونه سنت را ابداع کند؟ شاید بتوان بازتاب تحلیل موقعیت، تواضع علمی، نزاکت، اهمیت دادن به "دیگری" و رهایی از فردیت‌گرایی خودخواهانه و همدردی و هم حس اخلاقی ضروری مدرسه خوب را در چگونگی جو سازمانی آن دید. از این راه غنای سپهر زندگی و عرصه عمومی و افزودن گزینه‌ها و امکان انتخاب افزایش می‌یابد.

#### جدول (۱): تحلیل موقعیت از طریق شناخت تفاوت بحث با گفتگو

گفتگو	بحث
حضور یا هدایت تسهیل‌کنندگان گفتگو، صحبت کردن طرف‌های متفاوت با یکدیگر (برد، برد)	برنده شدن طرفی و شکست خوردن طرف دیگر (برد، باخت)
طرح سؤالات از دیدگاه همه طرف‌ها با حضور و هدایت افراد صاحب صلاحیت‌های بالینی و اجتماعی	پاسخ به خواسته‌های طرف قدرتمند

مفروض نوشته این است که رابطه‌های انسانی به معنای تجربه زیسته و زیست جهان عاملان و حاملان آن به‌وسیله خرد نیروهای اجتماعی موجود و نیروهای فرهنگی موجود، تولید شود و خود را بازسازی عادلانه و مبتکرانه کند. می‌توان از برخی دو انگاری‌های زیان‌بار رایج مانند کهنه و نو و گذشته و حال اجتناب کرد. برایان فی می‌نویسد: "دو انگاری‌ها این امکان را نمی‌دهد که هریک از دو طرف تقابل را نیازمند و مکمل آن طرف مقابل فرضی بدانیم" (فی، ۱۳۸۱). و "گذشته و حال در هم می‌آمیزند" (فی، ۱۳۸۱). در سطح نظارت بالینی کوشش می‌شود که برای ایجاد ارتباط‌های نزدیک‌تر میان معلمان و مربیان و کسانی که صلاحیت حل مشکل دارند به هم مرتبط کند (بهرنگی، ۱۳۷۴) و سبب هیجان مثبت شود.<sup>۱</sup>

مفروض است که هر گروهی برای "عقلانیت معطوف به هدف" یعنی برای موفقیت عمل می‌کند که شامل هم منافع و مصالح و خرده‌فرهنگ آن و گاه مدافعه و رقابت با گروه‌های دیگر است (به‌ویژه در شرایط رقابتی مخرب اقتصادی اجتماعی و "غلبه فرهنگ زرنگی"). گرچه گاه افراد به فراتر از خرده گروه خود هم می‌اندیشند اما برای "حفظ آبرو و حرمت" حرفه و گروه خود از شفافیت می‌گریزند. جو سازمانی و سرمایه اجتماعی تاریک یعنی این که پیوندهای درون گروهی بر اخلاق سپهر عمومی و مدنی و کلی غلبه می‌کند و آن را دور می‌زند. سرمایه اجتماعی عام یا سرمایه اجتماعی عمومی تکیه‌گاه و پناه همه است اما سرمایه اجتماعی خاص گرایانه براساس معیارها و استانداردهایی مخصوص یک حرفه یا صنف یا خرده‌فرهنگ است که آن برای خود برقرار

1. <https://www.amazon.com/Supervision.Redefinition.Thomas.../dp/00731312>

و تعریف می‌کند و با معیارها و استانداردهای سرمایه اجتماعی و اخلاق عمومی متفاوت و گاهی متضاد است گاه فاصله بین جو سازمانی و سرمایه اجتماعی یک خرده‌فرهنگ یا گروه خاص با سرمایه اجتماعی عمومی (که همان اخلاق و اعتماد، ارتباط و تعهدات باشد) چنان ژرف می‌شود که متفاوت بودن به بیگانگی و متضاد سرمایه اجتماعی عمومی و اخلاق عمومی می‌انجامد. در عمل یک هسته سخت و مانع برای تحقق روابط انسانی توأم با عدالت تعاملی تشکیل می‌شود که نوع و میزان اطلاعات را با دقت - و در صورت لزوم با شدت وصلابت - تعیین و از آن محافظت می‌کند. این هسته سخت اندازه، ابعاد زمانی و فضایی / مکانی حدود و جو سازمانی مشروعیت و وجهت می‌بخشد و از سرمایه اجتماعی تاریک دفاع می‌کند. و حتی می‌تواند تکنوکراسی و بوروکراسی را هم به خدمت خود بگیرد و نیز بوروکراسی خاص هم برای خود برقرار سازد. این هسته سخت باز تولید می‌شود.

انسان‌ها می‌توانند سطحی پایین‌تر از استانداردهای جو سازمانی را جستجو کنند یا خود را در انتظار و سزاوار چیزی فراتر از مقتضیات جو سازمانی روزمرگی ارزیابی کنند و هدفی چون خوشبختی یا فرهیختگی را پی بگیرند. از نظر جامعه‌شناسی ممکن است خوشبختی را هماهنگی هدف‌های فردی و اجتماعی بدانیم. هرچند این تعریف ممکن است "ایستا" باشد اما سازه قابل توجهی است عدالت تعاملی بخشی از خوشبختی با این تعریف است. با تحلیل دو منظر هزینه‌های بیرونی و درونی، عمل، کنش متقابلی (شبهه مورد دو راهی زندانی) برای دوراهی‌های اجتماعی، مطابق می‌توان حکم تجویزی بیان کرد: اگر غالب افراد - به‌ویژه نفع شخصی را انتخاب کنند، برای همه وضعی بدتر از آن حالتی پیش می‌آید که گزینه همیارانه را اختیار کرده باشند بسا که مدرسه باید به فراتر از ارتباط رسمی و اداری مثلاً به راه‌های گشودن انسداد ارتباطی، آشنایی‌زدایی انتقادی، فرهنگ‌سازی و ظرفیت‌سازی هم بیندیشد. ارتباط مؤثر، متشکل از مجموعه‌ای از ارتباطات اعتماد‌آمیز غیررسمی بین انطباق‌های فردی و گروهی و انطباق در سطح جمعی است و نمی‌تواند به ارتباطات رسمی و اداری و یا افراد هم سن و سال محدود شود. در این تعریف هماهنگی هدف‌های فرد و سازمان، اندیشه اصلی است. "اخلاق مسؤولیت"، رهایی از خود ناتوان‌سازی و معانی اجتماعی و ارتباطی علم و به تبع آن اخلاق مسؤولیت، مور نظر است. سرمایه روانشناختی سرمایه خوشبختی آبخاری همگانی است. با اوج‌گیری و ارتقای آن همه بتوانند به شکوفایی، رشد هویت فردی و وجودی فراز آیند و عزتمندان از بیگانگی و فرسودگی و میان تهی‌شدگی<sup>۱</sup> مصون مانند. کار فرهنگ مدرسه به‌علاوه بر هماهنگی و همگرایی با موقعیت‌ها و وضع موجود، فراهم‌سازی زمینه و یا نقشه و طرح‌واره هدف‌های فرهیختگی است که سبب بروز فرایندها

1. exhaustion

و اکتشاف و کارکرد خرد جمعی و پیش‌نیاز آن خرد ارتباطی" را نیز فراهم می‌آورد که گامی فرا تر از "حل مسأله" است. "حل مسأله" در موقعیتی است که راه‌های متعارف و شناخته شده‌ای وجود دارد. اما انتظار می‌رود که با فرهیختگی بتوان از پیچیدگی‌های آشوبناک تغافل و غفلت نکرد و از خشونت و یکسونگری پرهیز کرد و به گشودگی به هستی موج‌آسای زندگی و به نوپدیدگی<sup>۱</sup> - نه انکار - رو کرد. مدرسه مانند هر سازمان دیگر نمی‌تواند به نقش، کارکرد و رسالت "رفتار از شرایط انجام وظیفه درون سازمانی"<sup>۲</sup> اکتفا کند و به "رفتار شهروند سازمانی"<sup>۳</sup> یا فرانقش<sup>۴</sup> و حتی مفهوم "قابلیت شهروندی" به جد توجه می‌کند. درباره امکانات مداخله از این دست در ادبیات مربوط آمده است که "به علم" [فناوری] توجه شده اما از دیسپلین و معرفت غفلت ورزیده‌اند" (سازمان ملل<sup>۵</sup>، ۱۹۸۷). عدالت تعاملی پیش‌نیاز فرهیختگی و نزاکت است. ارتباط موفقیت‌آمیز - و نه کوشش تهاجمی "خشک" و نافرهیخته - برای تلفیق عمل و نظر و تسهیل رابطه سازنده بین نظم و تغییر و هماهنگی با تنوع سبک‌های زندگی خلاقانه راه می‌گشاید. رویکردهای رایج به سبب خشکی قدرت بوروکراتیک، "سیستم" و تناقض‌های زرسالاری، نتوانستند طرح تر و تازه دهند.

در فرایند مطالعه عدالت تعاملی امید است دریابیم که چرا عقلانیت قراردادی غالب کیفیت ندارد<sup>۶</sup> و نسبت به جلوه‌های عقلانیت غیر قراردادی / روشنفکرانه و عقلانیت ارتباطی هم بی‌رگ<sup>۷</sup> و بی تفاوت نباشیم. بووی از این عقلانیت ساعت وار ماشینی فاصله می‌گیرد می‌گوید اوج توانایی خرد، توانایی زیباشناختی است (بووی، ترجمه مجیدی، ۱۳۸۵: ۵۶۷). گیدنز نیز از انسان پلاستیکی سخن می‌گوید. بدیو اشاره کرده که از بشریت در ذات خود در برابر بشریت پدیداری هم سخن می‌رود (ترجمه فرهادپور، نجفی و علی بیگی: ۵۸۵). جلوه‌های ممکن است با شور پنهان، بغض فروخورده یا فریاد "ناگهانی" و پیش‌آگهی چرخش فرهنگی خود را نشان دهد.

1. emergence
2. In. role behavior
3. Organizational Citizenship Behavior
4. Extra. role behavior.
5. Guidelines for Development Untied Nations

۶. منسوب به مولوی: من گنگ خوابدیده و عالم تمام کر من عاجزم زگفتن و خلق از شنیدنش

پیغام خوش از دیار ما نیست

نظیری نیشابوری: ماخانه رمیدگان ظلمیم

7. Nervelessness

شاید منظور ژیل دلوز از افزایش حس‌پذیری (دلوز، ترجمه غلامی، ۱۳۹۲) و خوانش او از کناتوس<sup>۲</sup> اسپینوزا و پویایی "ابر انسان" مورد نظر نیچه هم همین باشد. وقتی هواپیمایی سقوط می‌کند، معمولاً اشتباهی رخ داده که خطای فنی یا خطای انسانی است. خطاها و "گناهان" مدیریتی این قدر آشکار و بارز نیست. اگر کنشگران فردی و سازمانی در مسایل، با سلامت و مسؤولانه و عاشقانه تصمیم‌گیری کنند، می‌توانند برای کاهش معنادار هر دو گونه خطا را مدیریت کنند. در سیاست‌گذاری حساس به روابط انسانی و اخلاق در جامعه انسانی هم اگر سقوط یا اختلالی هست ناشی از ناکارکردی نظام اخلاقی و نظام قانونی است. در این مورد هم افراد با سلامت و دقت کار کنند، می‌توانند هر دو گونه خطا را مدیریت کنند. سیاست‌های کلی پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه، آلودگی و ریزگردها غالباً طبیعی نیستند و همراه، معلول و همچنین علت رابطه‌های تملک‌جویانه و سلطه‌گرانه بر انسان‌هاست. فقر و مسکنت<sup>۳</sup>، به کشتار آرام جسم‌ها و روان‌ها ادامه می‌دهد. جو سازمانی و سرمایه اجتماعی نشانه توجه مشخص به بعد فرامادی و مجموعه هنجارها و ارزش‌ها و تعهدات مورد قبول گروه اجتماعی است. همچنین مفروض است رابطه متوازی بین سرمایه اجتماعی کلی و مشترک در گروه‌های مردم (سرمایه اجتماعی پیوندی) از طرفی و سرمایه درون گروهی هر گروه اجتماعی باید برقرار باشد. اگر این توازن به سود سرمایه درون گروهی به هم بخورد و ارتباط مثبت و تعامل آن دو دچار انسداد شود، همان سرمایه اجتماعی تاریک (درون گروهی و خاص‌گرایانه مثلاً فامیل بازی پارتی بازی و رانت جویی<sup>۴</sup>) است که به ضعف و زوال عدالت تعاملی منجر می‌شود.

در شرایط صنعتی و فراصنعتی نیز با ژرف‌شدن فاصله بین ساختار سازمانی منحصراً وظیفه‌گرا از یکسو و فرایند و محصول کار، خلا ارزش‌ها<sup>۵</sup>، فرسایش فرهنگی<sup>۶</sup> و "بیگانگی سیستماتیک" فضاهای خالی اجتماعی می‌توانند سرمایه تاریک را ایجاد یا تشدید کنند و تکنوکراسی را به خدمت بگیرند. سیستم آموزشی معیوب، همراه عدم‌آگاهی کنشگران (و از جمله خانواده‌ها) و سیستم رقابتی در مدارس یادگیرنده را به ارگانیزم "نمره خوار" و نه فرد دانش‌مدار تبدیل می‌کند.

2. Conatus

3. Miserability

4. Favoritism/cronyism/nepotism/rentierism

5. Vacuum of values

6. Erosion culture



کارکرد مهم روابط انسانی توأم با عدالت تعاملی ادراک شده، پردازش فهم کنشگران از رابطه ارزش‌ها و نهاد، بازنمایی نمادها و معانی کنشگر با خود (تبدیل مضامین و کارکردهای ارتباط بیرونی به خود روایتی)، فعال‌سازی طرحواره‌های انتخاب، تصمیم‌گیری و تسهیل تعامل مطلوب است. عدالت تعاملی ادراک شده با جامعه‌پذیری و مشارکت و اجتماعی شدن همبسته است. پس شباهت‌ها و تفاوت‌های هویت‌ها و فردیت‌ها می‌توانند به‌طور متبادل و متقابل، ملاط همبستگی یا وفاق باشند. از نظر جامعه‌شناسی ممکن است خوشبختی را هماهنگی هدف‌های فردی و اجتماعی بدانیم. هرچند این تعریف ممکن است "ایستا" باشد اما سازه قابل توجهی است عدالت تعاملی بخشی از خوشبختی با این تعریف است.

روابط انسانی توأم با عدالت تعاملی کوششی برای بیان اندیشه، احساس و انتظار یا گاه حتی فقط تلاش برای شکل‌گیری تصویری دلچسب و مطبوع و موزون یا دست‌کم قابل قبول از آنها در ذهن است. از این راه معنا بخشی<sup>۱</sup>، انسجام و یگانگی عاطفی<sup>۲</sup>، یگانگی اجتماعی<sup>۳</sup>، فرایندهای نمادین تمایز و تفاوت فردی و مقاومت و مخالفت، تنوع‌زایی معرفت‌آمیز یا عاطفی در شرایط و شاکله اجتماعی<sup>۴</sup> کنش و اندر کنش‌های اجتماعی خلاقانه، مسقل / مسؤولانه شکل می‌گیرد. خطای شناختی مبتنی بر مفروضات مخدوشی است که تمایز یافتگی انسان‌ها را منشأ اختلاف می‌داند و مدرسه را کارخانه فرودست‌سازی، رعیت‌سازی یا مریدپروری یکسان تلقی می‌کند. گزینه بدیل روابط انسانی توأم با عدالت تعاملی است که فراگیرنده را برای درک خلاقانه و مسؤولانه از جامعه‌پذیری فعالانه و ارزش‌های فرامادی مستعد می‌گرداند.

به گفته هیوبنر گوهر تربیت واقعی عشق است (فتحی و اجارگه، ۱۳۸۶: ۲۳). روابط انسانی توأم با عدالت تعاملی با اطلاعات کافی، رضایت، وفاق و ارتباط و مشارکت داوطلبانه و مسؤولانه و گاه آزادی عقل یعنی جریان روان کنش عدالت تعاملی ادراک شده همبستگی مثبت دارد. کنشگران چگونه و چرا دچار انفعال محض، بی‌تفاوتی و بی‌خویشتنی و هیچی و بی‌قدرتی و حتی تسلیم خشکی باورها و ساختارها و یا وانهادگی در برابر جریان‌های مرسوم/بیگانگی و از آن بدتر تشنج و خشونت یا بی‌تفاوتی می‌شوند؛ استهلاک و زوال ارتباط موفقیت‌آمیز و شراکت فعال کنشگر، چگونه کمرنگ و کمرنگ‌تر می‌شود؟ به عبارتی عشق و بالا تر از آن "دوست داشتن" و احترام چرا بی‌رمق می‌شود و بی‌تفاوتی و افسردگی دامن می‌گسترند سلطه‌خواهی و تملک‌جویی و "فرهنگ زرنگی" و جاهت می‌یابد؟ که به نظر می‌رسد غالباً نیاز به خوانش انتقادی و آشنایی‌زدایی

1. Provision of Meaning

2. Emotional Integration

3. Social Integration

4. Social Fabric

انتقادی اما توأم با محبت دارد. زبان و صدا اسباب تعامل و عدالت تعاملی است در سطح فلسفی اگر زبان و صدا "خانه وجود" باشد بی صدایی و بی‌زبانی بیگانگی و "بی‌خانمانی" هم هست (میلر، ترجمه ذکاوتی، ۱۳۹۲). در جامعه مدرن مارپیچ سازمانی، سکوت سازمانی<sup>۱</sup> یا ناشنیده ماندن صدای سازمانی<sup>۲</sup>، کوری سازمانی و کوری اخلاقی<sup>۳</sup> نسبت به عارضه‌ها و سکوت کنشگران و افزایش انگیزه‌های بی‌اخلاقی، بی‌تفاوتی، نارضایی و ضعف تعهد متقابل آنان و سازمان از نتایج تمرکز انحصاری بر تصمیم‌گیری فن-شیفته و غفلت از فرایندگرایی و اخلاق‌گرایی است. در شرایط عدم تعادل و سلامت اخلاقی به‌ویژه مدیران یکسویه نگر، و قلدرمآب<sup>۴</sup> و دچار کوری اخلاقی و منتفع از سرمایه اجتماعی تاریک (درون‌گروهی و خاص‌گرایانه) مانع از تحقق حقوق اعضای دیگر می‌شوند؛ این سبک مدیریت با ایجاد اختلال در رشد سرمایه روانشناختی اعضا و جریان یادگیری مداوم و عملی- نظری کنشگران در کوتاه‌مدت یا بلندمدت گرهی بر پیچیدگی‌های حاصل وجود سطح پائین سرمایه اجتماعی) می‌افزایند.

یکی از کارکردهای عدالت تعاملی در مدرسه و استعاره‌های آن، ترکیب روان و عمل و نظر و کنش رسمی و آشکار با دانش ضمنی و پنهان و جذب انواع چند فرهنگ‌گرایی و رنگ‌هاست. مؤلفه عدالت رضایت و شور و عشق و آزادی امکان‌شناوری و گردش آزاد مثل آب روان در ابعاد هستی و انسان و زیبایی را فراهم می‌آورد. رویکرد عاشقانه، صمیمانه، همدلانه و با میانجی‌گری ساختارها و سرشت‌های صلب را به مصاف انعطاف و انصاف می‌کشاند و کنشگران از راه انس با هستی "بی‌حس" بودن به بی‌عدالتی و خطاهای شناختی خود را درک خواهند کرد. عقل و عشق چون کامل شوند به هم می‌رسند و تعارض ندارند. از یک منظر این به معنی فرارفتن از رویکرد اثبات‌گرا، تفهیمی و ورود به عرصه مابعد اثبات‌گرا است. ژیل دلوژ<sup>۵</sup> از افزایش حس‌پذیری (دلوژ، ترجمه غلامی، ۱۳۹۲) سخن می‌گوید.

روابط انسانی توأم با عدالت تعاملی در مدرسه است که طراح‌های نمادسازی را با حفظ تنوع‌زایی معرفتی یا عاطفی، توانایی مدیریت تعارض و کاهش بیگانگی اجتماعی<sup>۶</sup> در شرایط و شاکله اجتماعی<sup>۷</sup> غنا بخشد. اجتماعی‌شدن مطلوب و توأم با عدالت تعاملی و از جمله در مدرسه این است که فرد از امکانات مطلع شود خود را پرورش دهد احساساتش تعالی یابد و انسانی

1. Organizational Silence

2. Organizational Voice

3. Moral/ organizational blindness

4. Bullying

5. Gilles, Deleuz

6. Social Alienation

7. Social Fabric

شایسته شود. تئودر شولتز (برنده نوبل در اقتصاد، ۱۹۰۲-۱۹۹۸)، پدر نظریه سرمایه انسانی، به‌طور از ارتباط متقابل چگونگی کار نهادهای جامعه با اندیشه‌های مردم و همچنین با وضوح و صراحت از اهمیت آموزش و پرورش مؤثرترین سخن می‌گوید:

مفهوم سرمایه اجتماعی تاریک کمک می‌کند روابط انسانی و مطالبات فرودستان بهتر درک شود و شاکیان به‌عنوان مواردی استثنایی و مستعد و دارای توانایی ویژه طبقه‌بندی می‌شدند که بهتر است کار دیگری و در جای دیگر با بهره‌وری بیشتر برای خود دست‌وپا کنند. یا شاکیان و ناراضیان محیط کار آدم‌های ناسازگاری برچسب می‌خوردند که "این سیستم" و قواعد کاری است که آنها را خود به خود از صحنه خارج می‌کند". آن‌چه سبب تعارض است همانا خودمیان‌بینی است که نشانه نارسایی رشد نمادهای فردیت خودخواهانه است نه رشد آن. رشد فردیت تکاملی سبب می‌شود که فرد یا اهل یک فرهنگ هم شباهت‌های خود با دیگران را دوست بدارد و هم تفاوت‌های خود با دیگران را و با احساس مسئولیت همراه با آزادی و نوع‌دوستی عمیق به درست‌کرداری بگراید و از سوی دیگر در ساختارهای عینی تعارض عمل و نظر و هدف و وسیله کاهش یابد. پس شباهت‌ها و تفاوت‌ها می‌توانند به‌طور متبادل و متقابل، ملاط همبستگی یا وفاق باشند. کنشگران چه تجارب ارتباطی دارند، از منظر کدام شبکه معانی و نه لزوماً نظام معانی (عقل و ایمان، یا هنر یا مصلحتی)، خود، جهان و دیگران را می‌بینند؟ محتوا، صورت‌ها و مجراهای ارتباطی نزد ذی‌نفعان و کنشگران: بانیان، آمران، عاملان، حاملان، مخالفان، رقیبان و تمام کسانی که در معرض هر گونه کنش و اندر کنش قرار می‌گیرند از چه مناظر و مریایی مورد بازنمایی، درک، تفسیر، بازسازی، نفی، انکار، و یا تغافل قرار می‌گیرد.

### روش پژوهش

روش‌شناسی مطالعه عدالت تعاملی را هم می‌توان در چهار مسیر دیگر هم دنبال کرد. با توضیح یک نگرانی توأم با چهار امید بزرگ که شکاف عمیق بین سه زمینه: (برنامه قصد شده، برنامه اجرا شده و آنچه کسب شده). احترام به بزرگ‌ترها هم احترام مکملی دارد به نام مهرورزی و محبت. روش کلاس باعث می‌شود، رابطه عاطفی خوبی با دانش‌آموز ایجاد شود. اما سخن این بود که تعهدهای اداری و آموزشی چه می‌شوند؟ ارزش‌ها و همچنین راهبردهای اخلاق و تدریس اخلاق را هم - فقط در شرایط لازم و محتمل تدریس اخلاق - اثربخش است. این‌که آموزش و جایگاه علم و تحقیق هم عرصه هیجان‌های شیرین است و این هیجان برای زدودن گرد و غبار از راهبردهای شناختی و فراشناختی برای حذف رقابت مخرب و جایگزینی ارتقای سرمایه روانشناختی به‌جای ضوابط بی‌روح است.

کنشگران مدرسه مانند هر سازمان دیگر نمی‌تواند به نقش، کارکرد و رسالت " رفتار از شرایط انجام وظیفه درون سازمانی " <sup>۱</sup> اکتفا کند و به " رفتار شهروند سازمانی " <sup>۲</sup> یا فرانقش <sup>۳</sup> که فهم و مسؤولیت طی ارتباط با " دیگری " به هفت عامل ارتباط به جد توجه می‌کند. از یکی از روش‌های بررسی جامعه‌شناختی تلفیق نظری مفاهیم کنش (عاملیت و اراده و معنا) و ساخت (فرصت و هنجار و رابطه اجتماعی) در سطح خرد و کلان است (چلبی، ۱۳۸۷). مقررات خشک نمی‌توانند جایگزین هوش هستی‌شناختی، هوش اخلاقی، هوش معنوی و هوش عاطفی و هوش فرهنگی شوند در این جا هم خردمندانه‌ترین رویکرد روش شناخت و تعهد کیفیت‌ها و بازخوردها است. این شناخت و تعهد از راه ارتباط با " دیگری " و به دست می‌آید نه انسداده. قلمرو خصوصی فرد و عمومی هم در واقع درهم تنیده‌اند و سواد حریم خصوصی می‌تواند به عقل هم میدان وسیع‌تری بدهد و شرایط عادلانه برای همه طرف‌ها و جو سازمانی و جو کلاس روشن‌تر و تعهدآمیزتر شود.

خطای شناختی مشهور در مجموعه‌ها و گروه‌های انسانی این است که تمایز یافتگی انسان‌ها منشأ تعارض فرض شود و بدینسان با یکسان‌انگاری و بروز انسداد ارتباطی بین کنشگران انسانی هویت‌های تشکیل‌دهنده یک مجموعه " تسطیح " شود و به این ترتیب عدالت تعاملی منتفی و بلا موضوع گردد. ویژگی عدالت تعاملی در مدرسه امکان و توان آن در پیوند - محوری و میانجی‌گری آن بین هویت‌ها، تفاوت‌های فردی و انتظارات متنوع کنشگران است. نقطه فوران <sup>۴</sup> هدف‌ها و ابزارها و روش‌ها وفاق بر آمده از آبشخور نشانگان تنوع‌ها است که عدالت تعاملی آغازگاه آن است. خرد، مقتضی عدالت تعاملی است.

انسداد ارتباطی و نبود عدالت تعاملی طی انفعال محض، بی‌تفاوتی و بی‌خویشتنی و هیچی و بی‌قدرتی و حتی تسلیم شدن کنشگران به خشکی باورها و ساختارها و یا وانهادگی در برابر جریان‌های مرسوم/بیگانگی و آسیب‌ها بر ساخته و " تولید می‌شود. پیام اساسی این ایده این است که: انسان‌ها منفعل و قالبی نیستند و دیگران چون خمیر شکل‌پذیر در دستان ما قرار نمی‌گیرند، کرامت انسانی و فخامت و نفاست حیات و پایداری اجتماعی در گرو التزام متین و جدی و مسؤولانه به حقوق گروه‌های خاموش و طرد شده <sup>۵</sup> (کودکان کار، گروه‌ها و مردم مسکنت زده <sup>۶</sup>، و دختران و زنان محروم و...) است که عدالت تعاملی یکی از آنهاست.

- 
1. In. role behavior
  2. Organizational Citizenship Behavior
  3. Extra. role behavior.
  4. Trigger point
  5. Muted /excluded groups
  6. Miserable

شناخت لایه‌های مرتبط و متداخلی شامل تصمیم‌گیری و مدیریت فن شیفته، رویکرد سخت‌افزاری تهاجمی و نیز منطق اقتصادی مبتنی بر بهره‌وری لجام گسیخته و راه‌های برون‌رفت، ضرورت دارد. آن‌چه امیدواریم یا انتظار داریم در زمینه مدرسه بدانیم: زمینه‌های شناخت مرتبط با رفتار موضوعاتی چون "خود، ادراک، رشد، حافظه، محرک‌ها سلامت، جذابیت، عشق، شخصیت، تقویت، تقلید، نقش، افکار قالبی و پیشداوری‌ها، اسناد، تغییر رفتار، نفوذ، بیان هیجانات، که سرانجام در فرایند حل مسأله برای ایجاد آمادگی، کسب مهارت و آشنایی با شایستگی‌های حرفه‌ای لازم برای قبول مسؤلیت‌های شغلی علمی و عملی در فرآورده و خروجی این فرایند خود را نشان می‌دهند" (دوچ و کراوس، ۱۳۷۴، ترجمه ایروانی و باقریان، ۱۳۸۳).

مقررات خشک نمی‌توانند جایگزین هوش هستی‌شناختی، هوش اخلاقی، هوش معنوی و هوش عاطفی و هوش فرهنگی شود در این جا هم خردمندانه‌ترین رویکرد روش شناخت و تعهد کیفیت‌ها و بازخوردها است. این شناخت و تعهد از راه ارتباط با «دیگری» به دست می‌آید نه تعارض با او. قلمرو خصوصی فرد و عمومی هم در واقع درهم تنیده‌اند و با رعایت عدالت جنسیتی و سواد حریم خصوصی می‌تواند به عقل هم میدان وسیع‌تری بدهد و شرایط عادلانه برای همه طرف‌ها روشن‌تر و تعهدآمیزتر شود. مقررات خشک نمی‌توانند جایگزین هوش هستی‌شناختی، هوش اخلاقی، هوش معنوی و هوش عاطفی و هوش فرهنگی شود در این جا هم خردمندانه‌ترین رویکرد روش شناخت و تعهد کیفیت‌ها و بازخوردها است. این شناخت و تعهد از راه ارتباط با «دیگری» به دست می‌آید نه تعارض با او. قلمرو خصوصی فرد و عمومی هم در واقع درهم تنیده‌اند و سواد حریم خصوصی می‌تواند به عقل هم میدان وسیع‌تری بدهد و شرایط عادلانه برای همه طرف‌ها روشن‌تر و تعهدآمیزتر شود.

یکی از روش‌های بررسی جامعه‌شناختی تلفیق نظری مفاهیم کنش (عاملیت و اراده و معنا) و ساخت (فرصت و هنجار و رابطه اجتماعی) در سطح خرد و کلان است (چلبی، ۱۳۸۷). در واقع عدالت تعاملی پیوند هم‌افزا بین ساختار و کنشگری است. در سطح بر ساخت اجتماعی خوشبختی می‌توان گفت آن‌چه "موفقیت" نامیده می‌شود، شامل مقطع‌های ناپایدار و گذرا است اما جریان کار و زندگی زنجیره‌ای از حلقه‌های ناپایداری و حسرت‌های بی‌پایان است زیرا نمی‌توان گفت "چه قدر کافی است؟".<sup>۱</sup> خوشبختی امکان دائم و بی‌پایان شادی است. این شکست است که ما را متوجه نیاز اصیل و پایدار - و مهم‌تر از موفقیت - می‌کند و آن خوشبختی است. زیرا "خوب" بودن لزوماً همیشه همان "موفق" بودن نیست. به‌ویژه وقتی که آن موفقیت موفقیتی تهاجمی باشد، حاصل "روان‌نژندی و جودی" است. در دیدگاه معناگرا شکست یک کارکرد آگاهی‌بخش بی‌بدیل

۱. نام یک تحقیق معروف در سطح جهانی.

هم دارد. این شکست در هدف‌های یک‌جانبه‌گرایانه ما است که ما را متوجه نیاز اصیل - و مهم‌تر از موفقیت - می‌کند و آن نیاز خوشبختی اعتماد و اطمینان پایدار است که به دیگری و دیگران و هدف‌ها اجتماعی کلان شدیداً مرتبط است.

منطق و مفروضات رابطه‌ها، اگر منحصر به همان شبکه معانی قدرتمندان مدرسه باشد تکنوکراسی سالم و برآمدن گفتگو و تعامل ذی‌نفعان و تکثر مبنای کار است. مدیریت انسانی و خدمتگزار و اقتصاد یادگیرنده نیز راه‌حلی است که از آن‌ها معمولاً سخن می‌رود و می‌توان آن را در پرتو مفروضات تکنوکراسی سالم تعریف کرد. رابطه‌های سلطه‌جویانه یکطرفه، خاص‌گرایانه، جزمی و تهاجمی چون مجموعه‌ها را گرفتار تک‌گویی می‌کند انسداد ارتباطی رخ می‌دهد، به دنبال آن تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌ها در فرایند خرد و نقد توسعه‌ی و اتخاذ میانجی‌گری اجتماعی و تجمیع خواسته‌های ذی‌نفعان و کنشگران در بستر عدالت تعاملی کل نمی‌گیرند، اختلال در سازه‌های فرامادی، جزم‌باوری و خشکی و بی‌روحي ساختارها و بی‌تفاوتی، سوءرفتار سازمانی و مسخ شخصیت<sup>۱</sup> بروز می‌کند و سپس برقراری نظم و انضباط خشن چاره کار تلقی می‌شود. بارزترین ممیزه‌ها و مفروضات رابطه‌های سلطه‌جویانه گاه به لحاظ نظری هم مغالطه‌آمیز یا متناقض‌اند. مناقشه‌سازترین و چالش‌برانگیزترین وجوه و لایه‌های حوزه مداخله، عبارت‌اند از:

- جهت‌گیری تحصیل‌گرایانه (پوزیتیویستی، ساختارهای قالبی دو پایه / دوگانی عین و ذهن، و مایه غلیظ علم.

- تمایل رفتارگرایانه در راهبرد عملی مداخله.

بعضی مغالطه‌ها، خطاها و تحریف‌های احتمالی را می‌توان در متونی چون نوشته‌های اسکات بازشناخت (اسکات، ۱۳۸۳). تطبیق شبکه معانی هر استعاره یکسونگری مدیریتی یا رهیافت مهندسی مکانیستی، می‌تواند به آسانی سبب غفلت از منطق چند گانه زنده زندگی، روابط انسانی و اخلاق و کنش انسانی و فرهنگی شود. فرهنگ شامل گفتمان، نقشه بازنمایی، کنش، معیارها، بیان و ابراز عواطف است. در ادبیات مربوط آمده است که "...در این گونه مداخلات به "علم" [فناوری] توجه شده اما از دیسپلین و معرفت غفلت ورزیده‌اند" (سازمان ملل<sup>۲</sup>، ۱۹۸۷). با یک خوانش انتقادی از انسداد ارتباطی هماهنگی عمل، آگاهی و انسان را مهیا می‌سازد. رهایی از تقلیل‌گرایی/ استعاره یکسونگری مدیریتی یا رهیافت مهندسی مکانیستی، "بی‌روح" بودن فرایندها و برون‌دادها و جزم‌گرایی و گرایش به رضایت حداکثری گروه‌های هدف با کنش ژرفانگر و سیال‌سازی و هم‌جوشی افق‌ها، فرایندها و محتوای بدیل‌ها و حرکت به سوی وفاق و هم‌افزایی آسان شود. جریان موجبیت چندجانبه و طرح الگوی قیاسی و علی، در بستر خرد هم مابه‌ازا و قرینه دارد. در

1. depersonalization

2. Guidelines for Development United Nations

استعاره‌ها، شبکه معانی منبع یا مبدأ - از راه تناظر- بر شبکه معانی مقصدتحمیل می‌شوند و معانی هم دچار مغالطه، خلط، ابهام و التباس می‌گردند. در این جا بارزترین ممیزه‌ها و مفروضات، شبکه معانی منبع یا مبدأند.

گزینه بدیل، روابط انسانی توأم با عدالت تعاملی مبانی اجتماعی تصمیم‌گیری دیگر و خردی نافذتر همراه با انگیزش (تجربه روانشناختی "سیالیت"<sup>۱</sup> و تجربه "اوج"<sup>۲</sup> جامعه‌پذیری) آدمی را در مرکز توجه قرار می‌دهد. روابط انسانی توأم با عدالت تعاملی کوششی برای تلفیق عمل و نظر و انتخاب و تصمیم‌گیری خردمندانه در مسیر پیشنهاد یک الگوی هنجاری و تجویزی بدیل به سوی "جامعه مهربان" ضروری است: استعاره‌ها و رویکردها ارتباطی پیوند محور و اطلاعات کافی همسو با عدالت تعاملی در مدرسه‌اند؛ مانند استعاره آب در این بیت نظامی<sup>۳</sup> و یا در شعرهای سهراب سپهری. برای گره‌گشایی مبتکرانه و ایجابی از فروبستگی‌ها، کاهش خشونت ساختارها نسبت به روابط انسانی و اخلاق فیزیکی و روانی و گسترش تأثیر عامل<sup>۴</sup> نیاز است. آموزه‌های سنت تفهمی (درکی) همراه با نقد ایجابی و توسعه و در مقام توصیه‌های کاربردی، میانجیگری توانمند سازانه، نظر قرار گیرد. کنترل فناورانه و هوش مصنوعی نمی‌تواند جایگزین منش و روش روشنفکری (هوش هستی‌شناختی، هوش اخلاقی، هوش معنوی و هوش عاطفی و هوش فرهنگی و و حداقلی از آن: عدالت تعاملی شود.

رابطه فرد عامل و دیگران یکجانبه نیست. توهم مالکیت مهاجمانه، تقلیل‌گرایی ناموجه و ساده‌سازی مفرط است. حصرشناختی، تحریف، ابهام و خلط معانی و بی‌توجهی به تفکیک ساختاری و نبود تلفیق متعادل تمایز یافتگی‌ها از خطاهای رایج است. برایان فی می‌نویسد: "...به فشارهای داخلی، مقاومت، درگیری و ناتوانی مرکز برای کنترل و تثبیت پیرامون توجه کنید و از این رهگذر ابهام و تناقض و تضاد را در همه جا ببینید" (فی<sup>۵</sup>، ۱۳۸۱).

رویکردی که چشم‌اندازی بلند دامنه ترسیم می‌کند روایتی بین‌الذهانی متکثر و چندآوایی<sup>۶</sup>، از ادراک محیطی<sup>۷</sup>، ارتباط و امر کیفی و رهایی از تک‌معنایی دارد و نظریه‌ها و گزینه‌های بدیل، روابط انسانی توأم با عدالت تعاملی مبانی اجتماعی تصمیم‌گیری دیگر و خردی نافذتر همراه با

1. Flow

2. Peak

4. Agent

5. Berian Fey

6. Polyphony

7. Environmental perception

انگیزش (تجربه روانشناختی "سیالیت"<sup>۱</sup> و تجربه "اوج"<sup>۲</sup> جامعه‌پذیری) آدمی را در مرکز توجه قرار می‌دهد. نظریه هم با حرکت پس‌رونده و هم با حرکت پیش‌رونده رشد می‌کند. رویکردهای کیفی مابعد اثبات‌گرایند و کنش‌های انسان را پیش ساخته ارزشیابی نمی‌کنند کنش‌های تفاهمی طی تعاملی عادلانه بر ساخته می‌شوند و هم‌زمان برای احراز مشروعیت و تعهدآوری خود باید طی عدالت تعاملی تولید شوند.

حفظ و ارتقای سازه‌های فرامادی و تجدید مداوم سنن و جلوگیری از استهلاک و زوال سرمایه طبیعی به رویکرد کیفی و خرد نیاز دارد. از روش‌های کمی و استاندارد و اتیک، گریزی نیست اما در افق این نوشته، آنها کارکرد "کارراهگی"<sup>۳</sup> دارند و کارکرد "کاربنی"<sup>۴</sup> ندارند. فراتر از رابطه کیفی، به تولید معنا، فراروندگی، دانش و مهارت‌های لازم برای شکوفاندن دانش نهان<sup>۵</sup> افراد در فرایند عدالت تعاملی نظر می‌کند و هماهنگی و هم‌افزایی خرد و اعتماد، ارکان سرمایه اجتماعی روابط، اعتماد، تعهدات، و شبکه اطلاعات، در جو سازمانی را تبیین می‌کند.

در سطح کنش فردی و اخلاق و دینی این همان معنویت است مشتمل بر معناجویی، روابط پرمعنا، هدفمندی و دانش تعالی. تجارب مدرسه‌ای نوری بر گزینه‌های نوپدید متنوع می‌تاباند و شرکت ذی‌نفعان، فرایند و قدرت را در مراحل و در وجوه توزیعی و رابطه‌ای (در ادراک عدالت تعاملی منعکس می‌شود) کنترل می‌کند. وجه انصاف و عدالت خواهی و وجه ارتقای آن (بعد فرامادی: جنبه استعلایی، رضایت و کرامت بشری و خودکارآمدی و احساس مؤثر بودن) در تحول از وفاق مرسوم بسوی وفاق تفاهمی، راهبردی اساسی است زیرا به درگیر شدن فعال نظر دارد. در شرکت دادن مردم در امور اجتماعی و فرهنگی نتایج یا "خروجی‌ها"ی قابل توجهی مورد انتظار است یعنی این بینش که انسان‌ها، هم بخشی از مشکل و هم بخشی از امکانات و راه‌حل‌ها به شمار می‌آیند. به گفته یکی از پژوهشگران: "...اصل آهنین منافع شخصی را تغییر دهیم و به جای تأمین منافع آنی خود، به تحقق منافع نسل‌هایمان و بقای نوع بشر بیندیشیم (زاهدی، ۱۳۷۶). با خوانش انتقادی چنین رویکردی چرا نتوان با کمک عدالت تعاملی و درک دیگران به تلفیق هم افزای منافع فردی و جمعی دست یافت؟

1. Flow

2. Peak

۳. نگارنده این ترکیب را معادل "طریقت" ساخته است.

۴. نگارنده این ترکیب را معادل "موضوعیت" ساخته است.

5. Implicit knowledge



رویکرد پیشنهادی در باره خرد و مناقشات عینی‌گرایان بانظریات ساختار-سازی اجتماعی، عمدتاً بر سر اساس دعوی‌ها، سوگیری در بعد چگونگی رابطه فرد و کنشگران (فردی، جمعی، سازمانی، و نهادی مانند نهاد علم و فناوری) است که مبانی اجتماعی تصمیم‌گیری و شرایط و پیامدهای اجتماعی و امکان‌ها را فراهم می‌سازد. همگرایی و خرد چگونگی و میزان پرهیز از عمل‌زدگی و شکیبایی و کنش ایجابی نیاز انسانی و "غیر سخت‌افزاری" مهمی است. ماکس وبر در ربع اول قرن بیستم از عقلانیت روشنفکرانه<sup>۱</sup> علاوه بر عقلانیت ابزاری و عقلانیت ارتباطی سخت گفته بود به تعبیری باحفظ فاصله‌ای از عینی‌گرایان و واقع‌گرایان ازسویی و در واقع‌گرایان یا ساختار-سازان اجتماعی افراطی ازسوی دیگر، "معارف -از جمله معارف مربوط به شرایط عینی- محصول کنش متقابل اجتماعی است. یعنی بر ساخت اجتماعی است" (رابینگتون، واینبرگ، ۱۳۸۲) در متنی دیگر اصطلاح عقلانیت متراکم ژاپنی‌ها را که عقلانیت ذاتی، ابزاری و محتوایی را در بر می‌گیرد، مفهوم‌سازی می‌شود (ریتزر، ۱۳۷۴). زاویه نگاه نگارنده این است که برای نزدیک شدن به یک فرانظریه کارآمد، ساختاریابی و دیدگاه انتقادی با دیدگاه ساختارسازی (یا بر ساخت‌گرایی) و نیز نظریه ساختار-کنشگر و به تناسب با تأملات فرهنگی، تاریخی، و خرد ترکیب شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

مدرسه نیز به مثابه یک سازمان انسداد ارتباطی ناشی از تقلیل‌گرایی امر انسانی به مدیریت یک‌صدایی و مهندسی مکانیستی و سرمایه اجتماعی تاریک دچار شود و شفافیت ارزشیابی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و نشاط و بهجت آن مخدوش شود. به زمینه‌های نظری و اجتماعی و لایه‌های مرتبط و متداخلی شامل تصمیم‌گیری و مدیریت فن شیفته، رویکرد یک‌صدایی/تهاجمی و نیز منطق اقتصادی و راه‌های احتمالی برون رفت، اشاره شد. میزان موفقیت هر کنش و برنامه، بستگی دارد به تفاهمی‌بودن سیاستگذاری، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری که جملگی وابسته عدالت تعاملی‌اند. انتظار می‌رود که با فرا تر رفتن از خودمیان‌بینی و تعهد به عدالت تعاملی با فهم عمیق ابعاد نوشونده فضای کنش و ادراک محیطی بهتر کنج‌های همدلی و زوایا و لایه‌های پنهان اما فعال پدیدارهای زندگی کنشگران، موانع به منابع هم‌افزا تبدیل شود. تولید الگوی جو سازمانی مبتنی بر اعتماد، این مهم‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی، متکی بر باور به استقلال پرشور کنشگر (فردی و سازمانی) در عین همدلی و فهم و نقد توسعه‌ی و ایجابی/ بیرون از خاص‌گرایی،

کوشش برای تفاهم‌پذیری، اقبال صادقانه به میدان عمل هم‌افزا و حتی‌المقدور پرهیز از راه‌حل‌های دیوانسالارانه است.

در مقابل آن تصمیم‌گیری به روش مولد، ایجابی و عاشقانه و مناظره‌وارگی<sup>۱</sup> امکان‌سنجی‌ها توسط خبرگان، محرومان و حاشیه‌نشینان و متخصصان و شهود هم‌اندیشان و امتزاج و ارتباط افق‌های واگرا و هم‌گرای گروه‌های ذینفعان و سرانجام، نقد تو سعی و ایجابی همدلانه و از جمله خوانش انتقادی ژرفانگراانه فرایندهای، محتوای بدیل‌ها و حرکت به‌سوی وفاق و هم‌افزایی از محاق برون می‌آید مفروض خوشبینانه این است که با عدالت تعاملی می‌توان درباره جو سازمانی مناسب و منافع درهم‌تنیده، حق‌کنش‌گری مؤثر و پرشورکنش‌گران و رهایی از فقر الگوی سازمانی و روزمرگی و انجماد ساختارها بتوان سخن گفت. عدالت تعاملی، مشارکتی و مسؤولانه یکی از خطوط راهنمای عمل تربیتی و اجتماعی است. تعهد به اخلاق، قانون و دین از طریق سبک‌های زندگی، در بستری به نام حساسیت مثبت به عدالت - و نه بی‌تفاوتی - موضوعیت پیدا می‌کنند. تفاهمی بودن سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری جملگی وابسته عدالت تعاملی‌اند. عدالت تعاملی هم زمینه وهم انگیزه و هم زهدان پرورش تربیتی و آموزشی مدرسه است.

لایه‌های پنهان اما فعال پدیدارهای زندگی کنشگران، "ساخته شود" و یا تخیل شود. یکی از کارکردهای عدالت تعاملی، ترکیب عمل و نظر و کنش رسمی و آشکار با حکمت دانش ضمنی و پنهان و بومی است. برای ارتقای جو سازمانی، ضروری است که به گسترش امکان "وضعیت کلامی مطلوب" که مقتضی عدالت تعاملی است یاری کرد.

## منابع

- اسکات، دیوید. (۱۳۸۳). *رنالیسم و پژوهش تربیتی*، ترجمه شعبانی ورکی وشجاع رضوی، آستان قدس، تهران.
- اسمیت، آلفردجی. (۱۳۷۹). *ارتباطات و فرهنگ*، ترجمه مهدی بابایی، سمت، تهران.
- برک، پیتر. (۱۳۸۱). *تاریخ و نظریه اجتماعی*، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها، دانشگاه تهران، تهران، ۸، ۳.
- ایروانی، محمود و فاطمه باقریان. (۱۳۸۳). *شناخت اجتماعی روان‌شناسی اجتماعی*، تهران: ساوالان.
- دوچ مورتن؛ روبرت م. کراوس. (۱۳۷۴). *نظریه‌ها در روانشناسی اجتماعی*، ترجمه: مرتضی کتبی، دانشگاه تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ.
- رابینگتون، ارل. واینبرگ، مارتین. (۱۳۸۲). *رویکردهای نظری هفتگانه در مسائل اجتماعی*، ترجمه رحمت‌اله صدیق سروستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دلوز، ژیل، اسپینوزا. (۱۳۹۲). *فلسفه عملی*، ترجمه پیمان غلامی، تهران: دیهگان.
- رحمانی تیمور؛ گلستانی، ماندانا؛ معیدفر، سعید و حاضری، علی محمد. (۱۳۹۰). *تحلیلی از منابع نفت و رانت جویی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب نفتخیز، دو فصلنامه مسایل اجتماعی ایران*، دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم)، ۴۴(۸۹): ۵۷-۸۶.
- ریتزر، جرج. (۱۳۷۴). *بنیان‌های جامعه‌شناختی*. ترجمه تقی آزاد ارمکی، تهران: سیمرغ.
- زاهدی، شمس السادات. (۱۳۷۶). *توسعه پایدار و اصل آهنین منافع شخصی*، مدیریت و توسعه دوره ۱۱(۳): ۳.
- فتحی و اجارگاه، کورش. (۱۳۸۸). *برنامه درسی به‌سوی هویت‌های جدید*، تهران: آییژ.
- فی، برایان. (۱۳۸۱). *فلسفه امروزی علوم اجتماعی*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). *اقتصاد و جامعه و فرهنگ در عصر اطلاعات*، ترجمه احدعلی قلیان و افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گانیه، آلن. (۱۳۹۴). *روانشناسی یادگیری*، ناشر انجمن ایرانی تعلیم و تربیت مترجم، علی ذکاوتی فراگزلو، انتشارات انجمن ایرانی تعلیم و تربیت.
- گروهی از مؤلفان. (۱۳۹۴). *پرسشگری*، ترجمه علی ذکاوتی فراگزلو، تهران: انتشارات انجمن ایرانی تعلیم و تربیت.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- راد کلیفت، مایکل (۱۳۸۳). *توسعه پایدار*، ترجمه حسین‌نیر، وزارت کشاورزی، تهران: معاونت طرح و برنامه.
- محسنی، نیک چهره (۱۳۸۷). *از روانشناسی بین فرهنگی تا روانشناسی فرهنگی*، *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*، دانشگاه تهران، دوره جدید، ۴(۱): ۹۳-۷۱.
- میلر، جرال د آر. (۱۳۹۲). *ارتباط کلامی*، ترجمه علی ذکاوتی فراگزلو، تهران: سروش (ویراست چهارم).

هانیکان، جان. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی محیط زیست*، ترجمه موسی عنبری، انور محمدی، میلاد رستمی، تهران: دانشگاه تهران.

هایدگر، مارتین. (۱۳۷۳). پرسش از تکنولوژی، ترجمه شاپور اعتماد، تهران: *فصلنامه ارغنون*.  
هریسون لارنس، ساموئل هانتینگتون. (۱۳۸۳). *اهمیت فرهنگ*، ترجمه انجمن توسعه مدیریت ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.

میرسپاسی، علی (۱۳۹۲). *دموکراسی یا حقیقت*، تهران: انتشارات طرح نو.

Pekrun, R.C., Frenzel, T. R., Perry, P. (2007). *The control-value theory of achievement emotions: an integrative approach to emotions in education*. In: Schutz, Paul A., ed., Rein hard Pekrun, ed. *Emotion in education*. Amsterdam: Academic Press, pp. 13-36

Ryan, R.M., Deci, E.L. (2000) Intrinsic and Extrinsic Motivations Classic Definitions and New Directions. *Contemporary Educational Psychology*, 25: 54-67.

Sergiovanni, T. J., Starratt, R. J. (2007). *Supervision: A redefinition*. New York, NY: McGraw-Hill.

Sztompk, P. (1999). *Trust a Sociological Theory*, Cambridge, Cambridge, University Press.

United Nations (1987). *Guidelines for Development, Planning: Procedures: Methods and Techniques*. New York.